

روش های تعامل ائمه علیهم السلام با امامیه

فرشته کوشکی^۱

چکیده

با شکل‌گیری فرقه‌ها و گروه‌های مختلف در جهان اسلام امامان شیعه که پاسداران اسلام و آموزه‌های آن بودند با روش‌های مختلف با آنها برخورد می‌کردند. این روش‌ها گاه با بحث و مناظره و گاه با روش‌های اخلاقی، احساسی و عاطفی و به هنگام نیاز با طرد آنها همراه بود.

محور اصلی این مقاله برخورد امامان شیعه با شیعه امامیه است. پرسش این مقاله این است که امامان شیعه با این گروه که فرقه‌ای درون دینی بودند چگونه برخورد و آنها را هدایت می‌کردند. با بررسی روایات و دسته‌بندی آنها روش‌های برخورد ائمه را در چند محور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی- تربیتی و عاطفی تقسیم‌بندی کرده و اصول و مؤلفه‌های اصلی آنها از جمله: ظلم‌ستیزی، حفظ عزت شیعیان، تلاش در راه انجام بهترین رفتارها، ضرورت شناخت و معرفت ائمه و رعایت حدود الهی استخراج شده است. **واژگان کلیدی:** روش، امامیه، شیعه، برخورد، تعامل.

۱. مقدمه

سیره اهل بیت علیهم السلام در همه ابعاد زندگی بشر، راهنما و تنها راه نجات و سعادت دنیوی و اخروی معرفی شده است. یکی از عرصه‌هایی که به ویژه امروزه دارای اهمیت و تأثیری روزافزون است و به نیاز جدی جوامع مختلف اسلامی تبدیل شده، عرصه تعامل شیعیان با پیروان دیگر مذاهب اسلامی است. از این رو، ضروری است که سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام بررسی شود تا روش تعامل و برخورد آنان با پیروان دیگر مذاهب اسلامی ترسیم و آموخته گردد. تاکنون کتاب‌ها و مقالاتی در این باره نگاشته شده، ولی از آنجاکه این بحث پر دامنه‌ای است پیوسته ضرورت توجه و پژوهش درباره آن احساس می‌شود.

۱. دانش پژوه مقطع دکتری تاریخ اهل بیت علیهم السلام، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه، ایران.

۲. مفاهیم

۲-۱. امام و شیعه

«امام» در لغت به کسی گفته می‌شود که به او اقتدا شود و مردم از او پیروی کنند. (ابن فارس، بی تا، ۲۸/۱) معنای لغوی شیعه و امام متناسب و متمم یکدیگر هستند. شیعه در لغت به معنی پیرو و امام به معنای کسی که از او پیروی می‌شود، به کار می‌رود (برنجکار، ۱۳۷۸، ص ۶۵). در *لسان العرب* شیعه به معنی اجتماع قوم برامری معنا شده است.

در اصطلاح تعریف‌های متعددی از شیعه ارائه شده مانند موافقت و هماهنگی در عقیده و عمل بدون اینکه یکی تابع دیگری باشد، پیروی کردن از دیگری و محبت ورزیدن به او (گلبایگانی، ۱۳۸۱، ص ۳۵) شیعه به طور عام به معنای پیرو به کار برده شده است. مثل شیعه علی ع و یا شیعه عثمان، اما با مرور زمان این کلمه اصطلاحی شده است که به شیعیان و پیروان علی ع اطلاق می‌شده است. شیعه به کسانی گفته می‌شود که به امامت و خلافت بلافصل امام علی ع از طریق نص معتقد هستند (شهرستانی، بی تا، ۱۳۶/۱).

در کتب فرق و مذاهب برای شیعه فرقه‌های متعددی ذکر شده که بیشتر آنها جعلی هستند. برخی از کتاب‌ها، فرقه‌های اصلی موجود را سه فرقه و برخی بیشتر می‌دانند. برخی فرقه غلات را از فرق شیعی می‌دانند. در حالی که از نظر شیعه این فرقه از مذاهب خارج از اسلام به شمار می‌رود. بغدادی فرقه‌های اصلی شیعه را سه فرقه می‌داند: زیدیه، کیسانیه و امامیه (بغدادی، ۱۴۰۸، ص ۲۱-۲۳). علامه طباطبایی انشعابات اصلی شیعه را در زیدیه، اسماعیلیه و اثنی عشریه یا همان امامیه می‌داند (۱۳۸۸، ص ۳۲). از آنجا که برخی کیسانیه را جزء غلات می‌دانند، بنابراین قول علامه، فرقه‌های موجود مهم شیعه زیدیه، اسماعیلیه و امامیه در نظر گرفته می‌شود.

۲-۲. امامیه

بعد از رحلت پیامبر اکرم ص جامعه اسلامی متأسفانه از مسیر اصلی خود خارج و به فرقه‌ها و گروه‌های مختلفی تقسیم شد. این فرقه‌ها از دوران فتوحات به بعد و سرازیر شدن سیل عقاید و افکار مختلف به جامعه اسلامی گسترش بیشتری یافت. امامان شیعه که طلایه داران هدایت جامعه اسلامی بودند، برای هدایت مسلمانان با روش‌های مختلفی به حفاظت و صیانت از مبانی اسلامی پرداخته‌اند. امامان شیعه و با اندیشه‌های انحرافی، منطقی و عقلانی برخورد کرده و به شبهه‌های آنها پاسخ می‌دادند و به مسلمانان نیز راه برخورد با آنها و پاسخگویی به پرسش‌ها و شبهه‌ها را آموزش می‌دادند. (خزعلی، ۱۴۲۶، ۱۰۹/۲؛ امین عاملی، ۱۴۰۳، ۳۹/۲)

این گروه‌ها گاه از ادیان دیگر بودند مانند یهودیان، مسیحیان، صابئین و زرتشتیان و گاه از فرقه‌هایی بودند که در داخل جهان اسلام شکل گرفته بود مانند فرقه‌های اهل سنت اشاعره، معتزله، جبریه، قدریه و گاه حتی فرقه‌های درون شیعی بودند مانند اسماعیلیه، زیدیه، کیسانیه و واقفیه و فرقه‌های دیگر.

برخورد ائمه علیهم‌السلام با فرقه‌های مختلف هر کدام مقوله جداگانه‌ای را می‌طلبید. این تحقیق بر آن است که شیوه برخورد امامان را به طور خاص با امامیه بررسی کند.

از شیعه اثنی عشریه بیشتر به امامیه تعبیر می‌شود. چنانچه شیخ مفید می‌فرماید: «فاما وصف الفريق من الشیعه بالامامیه فهو علم علی من دان بوجوب الامامه و وجودها فی کل زمان و اوجب النص الجلی و العصمه و الکمال لکل امام ثم حصر الامامه فی ولد الحسین بن علی». (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۸)

امامیه یا شیعه اثنی عشریه به کسانی گفته می‌شود که علاوه بر اعتقاد به امامت و خلافت بلافصل امام علی علیه‌السلام به امامت امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام و نه فرزند آن امام معصوم علیه‌السلام معتقدند. (شهرستانی، بی تا، ۱/۱۶۹) از آنجا که بیشتر تعالیم فقهی و علمی امامیه در دوران امام جعفر صادق علیه‌السلام شکل گرفته است به این گروه شیعه جعفری نیز گفته می‌شود. اگر لفظ شیعه به تنهایی به کار رود منظور امامیه است.

شیعه اثنی عشریه به طور خلاصه با ویژگی‌های کلی زیر شناخته می‌شوند:

- امام همانند پیامبر باید معصوم باشد. اصلی‌ترین مشخصه امامیه در دیدگاه خاص آنان نسبت به امامت است. امامیه بر این باورند که حق جانشینی رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از آن حضرت علی علیه‌السلام بوده و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در طول حیات خود بارها بر این نکته تأکید داشته‌اند. در منابع امامی برای ادله نقلی، احادیث مشهوری مانند: حدیث منزلت، حدیث ثقلین و حدیث غدیر ذکر شده است. این احادیث در منابع اهل سنت هم آمده است. (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ۳/۱۰۹۹؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ۵/۳۷۶)

- جانشینان پیامبر ۱۲ نفرند که توسط پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به نام معرفی شده‌اند.

- در اصول اعتقادی سه اصل توحید، نبوت و معاد را از اصول دین و امامت و عدل را از اصول مذهب می‌دانند. برخی خصوصیات دیگر نیز از جمله مفترض الطاعه بودن و معصوم بودن امام و خالی نبودن زمین در هیچ زمانی از امامان باورهای اساسی امامیه است که آنها را از سایر گروه‌ها متفاوت می‌کند. از زمان امام صادق علیه‌السلام به دلیل وجود شرایط مناسب سیاسی با تعیین مواضع

امامیه، تدوین فقه امامیه هم شکل گرفت و امامان به تربیت شاگردان در علوم مختلف اسلامی همت گماشتند.

- در نبوت بر باورهایی مانند عصمت انبیا تأکید شده است. مسئله شفاعت و رجعت، برخی مواضع فقهی، آداب مذهبی، زیارات و ادعیه، شعائر و جشن های مذهبی مانند عید غدیر، نیمه شعبان و ایام سوگواری امامان ویژگی های امامیه هستند. (سبحانی، ۱۳۸۳، ۲۰۷/۸؛ سید ابن طاووس، ۱۳۷۷، ۲/۲۶۱)

دیدگاه های معتدل در هم زیستی با پیروان دیگر مذاهب و استفاده از عنصر تقیه فضای مساعدی برای دوام امامیه فراهم کرده است. به گونه ای که توانسته در تنش های سخت سیاسی و اجتماعی جایگاه خود را حفظ کرده و تشیع را از اقلیت به عرصه حکومت و قدرت برساند. (پاکتچی، ۱۳۶۷، مدخل امامیه، ۱۰/۱۵۸)

این موقعیت با درایت، مدیریت و برنامه ریزی دقیق و حکیمانه امامان شیعه شکل گرفته است. امامان شیعه با نگاهی کلی به جامعه شیعی و ساماندهی کلیت جامعه شیعی با کادرسازی مناسب و نظام سازی شیعیان را برای اهداف اساسی و کلان انقلاب جهانی اسلام هدایت کردند. این روش در برخوردهای فردی و اخلاقی ائمه نیز دیده می شود و در عین حال در هر دو جنبه می تواند درس آموز و مهم باشد. از سوی دیگر ائمه نوری واحد هستند و تفاوت آنها در عملکرد به دلیل تغییر شرایط و زمان بوده است؛ بنابراین دیدگاه ائمه را به طور کلی با توجه به شرایط و روش های مختلف بررسی می شود. لازم به یادآوری است که در این تحقیق به روایاتی که ویژگی های شیعه در آنها بیان شده، یعنی روایاتی که خاص شیعیان است و لفظ «شیعه ما» به کار رفته است، استناد می شود. از منابعی که در این زمینه قابل استفاده است کتاب *صفات الشیعه* نگارش شیخ صدوق است. ایشان ۷۱ روایت درباره صفات شیعیان را جمع آوری کرده است. با دسته بندی روایات می توان به نکاتی دست یافت که مسلمانان را برای رسیدن به روش های امامان یاری می دهند. منبع دیگر روایت امام عسکری علیه السلام است که به پدر شیخ صدوق نوشته شده است که حاوی نکات مهمی است. البته از کتاب های روایی دیگر نیز استفاده شده است.

۳. برخورد امامان با شیعیان در رابطه سیاسی و حکومتی

در این بخش مباحث اندیشه ای مربوط به مشروعیت نظام ها و حقانیت حکومت ها به صورت نظری بررسی نمی شود و تنها به این نکته اشاره خواهد شد که تمامی این حکومت ها حکام جور بودند و به لحاظ دینی مشروعیت نداشتند. در این راستا به توصیه های ائمه علیهم السلام به شیعیان در

رابطه با برخورد با این حکام جور اشاره خواهد شد.

۱-۳. در برخورد با حکومت

بعد از به حکومت رسیدن امویان و به ویژه پس از واقعه عاشورا شرایط سیاسی جامعه به شدت بر شیعیان و امامان آنها سخت بود و حکام با قتل و شکنجه و فشار از هر حرکت سیاسی در بین شیعه جلوگیری کرده و به هر بهانه ای آنها را زندانی و به شدت کنترل می کردند. این شرایط سخت موجب شده بود که برای حفظ و در عین حال هدایت و رهبری شیعه و برای رسیدن به اهداف جامعه اسلامی، امامان شیعه رویکردهای متفاوتی داشته باشند.

تمام امامان شیعه وظیفه پیاده کردن احکام اسلام را بر عهده داشتند. بنابراین، همگی به دنبال تشکیل حکومت اسلامی در قالب ابزاری برای اعمال این امر مهم بوده اند. بر همین اساس برنامه ریزی ائمه علیهم السلام با توجه به شرایط ممکن و رسیدن به این هدف انجام شده است. با وجود فشارهای زیاد در امور سیاسی، چند سفارش به شیعیان شده است. برای مثال در رابطه با علی بن یقظین که از یاران امام بود ایشان را به داخل دستگاه حکومتی می فرستند و در عین حال وی را ملزم به حفظ تقیه و کمک به شیعیان در داخل دستگاه حکومتی می کنند. برای هر یک از این موارد روایات متعددی وجود دارد. به عنوان مثال علی بن یقظین که امام کاظم علیه السلام توانست با نفوذ دادن علی بن یقظین در هیأت حاکمه خلافت عباسی، تشکیلات منسجم خود را تا قلب سنگرهای دشمن گسترش داده و امید، تلاش و تحرک را در بین اصحاب و یاران خود بیفزاید و در بالاترین رده اداره حکومت پناهگاه و فریادرسی برای شیعیان مستضعف خود ترتیب دهد. (طبری، ۱۸۷۹، ۵۲۲/۳ و ۳۹۱/۶)

امام بر حضور وی در دستگاه حکومتی تأکید داشت و این حضور را در راستای حفظ عزت شیعیان می دانست. به صورتی که روزی علی بن یقظین به حضور امام کاظم علیه السلام رسید و از آن حضرت اجازه خواست تا منصب خود را ترک کند. امام او را از این کار منع کرد و فرمود:

این کار را نکن؛ زیرا ما به تو انس داریم و برادران دینی ات به وسیله تو در عزت می باشند. امید است که خداوند به وسیله تو صدمه دیده ای را جبران کرده و بهبود بخشد و یا آتش خشم مخالفان را از اولیای خود فرو نشاند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۳۶/۴۸)

در ادامه نیز امام سفارش هایی به علی بن یقظین دارند:

یا علی! کفار اعمال شما احسان و نیکی به برادرانتان است. تو برای من یک چیز را ضمانت کن، من برای تو سه چیز را ضامن می شوم. تو قبول کن که کسی از دوستان ما را نبینی مگر اینکه نیاز او را برآوری و مورد احترام قرار دهی و من برای تو ضمانت می کنم

که سقف زندانی هرگز بر تو سایه نیفکند و هرگز تیزی شمشیری به بدن تو نرسد و هرگز تنگدستی وارد خانه تو نشود. یا علی! هر کس مؤمنی را خوشحال کند در درجه اول خدا را خشنود کرده و بعد پیامبر را و سپس ما را. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۵۸/۴۸)

در یک مورد که علی بن یقظین برخورد درستی با یکی از شیعیان نداشته به شدت از سوی امام مورد مواخذه قرار گرفته است. از سوی دیگر در برخی موارد امام شیعیان را از حضور در حکومت منع می‌کنند و حتی یک لحظه فکر زنده ماندن ظالم را مخالف با اصول تفکر شیعی می‌دانند. روایت صفوان جمال که شترهای خود را به هارون کرایه می‌داد از این نوع است. با این روش امام فرهنگ مبارزه با ظلم را به شیعیان آموزش می‌دهند.

صفوان از یاران امام بود که شترهای زیادی داشت و از راه کرایه دادن آنها معیشت و زندگی خود را می‌گذراند و به همین دلیل به او «جمال» می‌گفتند. روزی خدمت حضرت امام کاظم علیه السلام رسید. آن حضرت به او فرمود: همه چیز تو خوب و نیکو است جز یک چیز! سؤال کرد: فدایت شوم آن چیست؟ امام فرمودند: اینکه شتران خود را به این مرد (یعنی هارون خلیفه وقت) کرایه می‌دهی. صفوان گفت: من از روی حرص و سیری و لہو چنین کاری نمی‌کنم؛ چون او به راه حج می‌رود شتران خود را به او کرایه می‌دهم. خودم هم خدمت او را نمی‌کنم و همراهش نمی‌روم، بلکه غلام خود را همراه او می‌فرستیم. امام فرمودند: آیا از او کرایه طلب داری؟ گفت: آری. امام فرمود: آیا دوست داری او باقی باشد تا کرایه تو به تو برسد؟ صفوان گفت: آری. حضرت فرمودند: کسی که دوست داشته باشد بقای آنها را از آنان خواهد بود و هر کس از آنان (دشمنان خدا) باشد جایگاهش جهنم خواهد بود.

صفوان جمال بعد از این گفت و گو با امام کاظم علیه السلام تمامی شتران خود را فروخت. وقتی این خبر به هارون رسید او را خواست و به او گفت: به من گزارش داده‌اند که تو شترهای خود را فروخته‌ای چرا این کار را کردی؟ او گفت: چون پیرو ناتوان شده‌ام و غلامانم از عهده این کار بر نمی‌آیند. هارون گفت: هرگز! می‌دانم که تو به اشاره موسی بن جعفر علیه السلام شتران خود را فروختی. اگر حق مصاحبت تو با من نبود، ترا می‌کشتم. (کشی، ۱۳۴۸، ۷۴۰/۲)

بنابراین در رابطه با برخورد امامان با شیعیان در رابطه سیاسی و حکومتی دو رویکرد وجود داشته است: جنبه اثبات و نفی.

۳-۱-۱. حفظ جان شیعیان

امامان شیعه با مطرح کردن روش تقیه و لازم دانستن انجام آن از سوی شیعیان سعی در حفظ جان شیعیان داشتند. در روایتی آمده است: «هر کس تقیه نمی‌کند، دین ندارد و هر کس پرهیز

از گناه نمی‌کند ایمان ندارد». (شیخ صدوق، بی‌تا، ص ۲۳) فرستادن شیعیان به مأموریت‌های سری، بردن نامه‌های سری و محرمانه، خبر دادن به آنان در حفظ خود به روش‌های مختلف از دیگر راهکارهای ائمه علیهم‌السلام در جنبه سیاسی است.

در روایتی بیان شده است:

امام موسی بن جعفر علیه‌السلام دستور داده بود که علی بن یقطین در جاهای خلوت و دور از اغیار طبق روش اهل سنت وضو بگیرد. به هارون خبر داده بودند که علی بن یقطین شیعه است و دلیل آن شیوه وضو گرفتن اوست. روزی هارون تصمیم گرفت که شیوه وضو گرفتن علی بن یقطین را ببیند. مخفیانه تماشاگر وضوی او شد و دید که او به روش اهل سنت وضو می‌گیرد و کسی هم نزد او نیست، پس یقین پیدا کرد که علی بن یقطین شیعه نیست و قسم خورد که حرف دیگران را درباره او باور نکند. سپس موسی بن جعفر علیه‌السلام به او گفت از این به بعد به روش شیعه وضو بگیرد. (غلام حسینی، ۱۳۷۷، ص ۸۲)

و یا روایتی که هدیه وی را که از خلیفه گرفته بود به وی برگرداند و بعد به دلیل همان دسیسه‌ها خلیفه به دنبال هدیه فرستاده بود و موارد بسیاری از این قبیل درباره زراره و هشام بن حکم و دیگران نقل شده است. امام کاظم علیه‌السلام بعد از وفات علی بن یقطین فرمود: «برای تو آن را دوست دارم که برای خود دوست می‌دارم». (کلینی، ۱۳۹۲، ۳/۵۳۴، ح ۳) به هر حال در بعد سیاسی یک محور اساسی و کلیدی وجود دارد و آن مبارزه با ظلم است، اگرچه روش‌ها و عملکردها متفاوت است.

۴. برخورد امامان با شیعیان در زمینه اقتصادی

به دلیل فشارهای سیاسی حکومت‌های وقت هم در زمان امویان و هم عباسیان و به دلیل ترس از قدرت شیعیان حکومت‌های غاصب از همان ابتدا به این نکته توجه داشتند که هر حرکت اجتماعی نیاز به پشتوانه اقتصادی دارد؛ بنابراین اولین کاری که بعد از غصب خلافت انجام دادند غصب فدک بود. از همین روی بود که امام کاظم علیه‌السلام در زمان هارون محدوده فدک را قلمرو جهان اسلام می‌داند. بر همین اساس بود که خلفا همواره شیعیان را به شدت تحت فشار اقتصادی قرار می‌دادند. به حدی که روایت است که حتی در برخی دوره‌ها شیعیان برای خواندن نماز مجبور بودند لباس خود را نوبتی بپوشند تا بتوانند نماز بخوانند. به این طریق شرایط سخت اقتصادی بر شیعیان حاکم بوده است. (واسعی، ۱۳۹۴، ص ۲۷۰؛ پیشوایی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۶-۱۲۴) در این زمینه هم ملاک و محور اصلی حفظ عزت و شخصیت شیعیان چه در مسائل فردی و چه اجتماعی بود. امام سعی می‌کردند در صورت ممکن مشکلات اقتصادی شیعیان را به هر نحو ممکن حل کنند. گاهی حتی بدون اینکه ابراز تنگدستی کنند برای آنها پول می‌فرستادند و سعی

می‌کردند مشکلات مالی آنها را حل کنند، ولی همواره تأکید بر عزت شیعیان داشتند. گاه این هدایا را پنهانی می‌فرستادند.

در روایات ائمه علیهم‌السلام به شدت بر حفظ عزت شیعیان تأکید شده است. در روایتی بیان شده که شیعه علی علیه‌السلام کسی است که اگر از گرسنگی هم بمیرد از غیر برادر دینی اش چیزی در خواست نمی‌کند. امام در روایتی فرمود که هر کس از غیر برادران دینی اش کمک بخواهد از ما نیست (شیخ صدوق، بی تا، ص ۵۰) «دروغ می‌گوید کسی که گمان می‌کند از شیعیان ماست در حالی که به غیر ما تمسک می‌جوید» (شیخ صدوق، بی تا، ح ۴، ص ۲۴)، از مهمترین بیانات ائمه علیهم‌السلام در زمینه اقتصادی تأکید بر اقتصاد داخلی در بین شیعه و سرفرازی و عزت در مقابل کافرین است.

عبد الله بن خالد کنانی گفت:

امام موسی بن جعفر علیه‌السلام در حالی به سوی من آمد که ماهی‌ای در دستم بود. حضرت فرمود: این را ببنداز؛ زیرا من نمی‌پسندم مردی [از شیعیان ما] چیز بی‌ارزشی را خودش حمل کند. سپس فرمود: به راستی شما [شیعیان] گروهی هستید که دشمنانتان بسیارند. ای جماعت شیعه شما گروهی هستید که مردم با شما دشمنی می‌کنند، پس تا آنجا که می‌توانید خودتان را در نظر آنان بیارایید. (شیخ صدوق، بی تا، ح ۳۱، ص ۵۶)

۵. برخورد امامان با شیعیان در زمینه اجتماعی

در این زمینه در دو جنبه می‌توان این ارتباط را بررسی کرد.

الف) برخورد شیعیان با غیر شیعه:

ب) برخورد شیعیان با شیعیان.

در زمینه اجتماعی و برخورد شیعیان با دیگران نیز یک ملاک و معیار اصلی وجود دارد و آن جمله مشهور «کونوا لنا زینا و لا تکونوا علینا شینا است» و اینکه امامان فرمودند در همه زمینه‌ها زینت ما باشید. (حر عاملی، ۱۴۰۳، ۸/۱۲)

امام فرمود: شیعیان ما بهترین در قومشان هستند، حتی در ارتباط با مخالفین شیعه و برخورد با اهل سنت، ائمه به حفظ این ویژگی تأکید داشتند و به شیعیان توصیه می‌کردند به عیادتشان رفته و در تشییع جنازه‌شان شرکت کنید. (حر عاملی، ۱۴۰۳، ۶/۱۲)

این شیوه به صورت عملی در بسیاری از علمای برجسته شیعه که پیروان واقعی ائمه بوده‌اند اعمال شده است.

عبد الله بن سنان گفت: از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که فرمود:

ای بندگان خدا شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم و [اینکه] مردم را [به سبب افشای اسرار آل محمد علیهم‌السلام] بر دوش خود سوار نکنید که خوار می‌شوید. خداوند بزرگ در کتابش می‌فرماید: «به مردم سخن نیک بگویید». آنگاه فرمود: به عیادت بیماران آنها بروید بر جنازه ایشان حاضر شوید و به نفع و ضرر آنها گواهی دهید، با آنان در مساجدشان نماز گزارید و حقوقشان را ادا کنید. سپس فرمود: چه چیز دشوارتر [مصیبت‌بارتر] است بر گروهی که گمان می‌کنند از گروهی دیگر پیروی می‌کنند و سخنانشان را می‌پذیرند، اما وقتی آنان را امر و نهی می‌کنند، نمی‌پذیرند و احادیثشان [اسرارشان] را نزد دشمنانشان افشا می‌کنند، سپس آن دشمنان نزد ما (آل محمد علیهم‌السلام) آمده و می‌گویند: گروهی چنین می‌گویند و چنان روایت می‌کنند و ما به آنها می‌گوییم: از کسانی که این سخنان را می‌گویند، بی‌زاری می‌جوییم و بدین صورت برائت و بی‌زاری شامل حال آنها می‌شود. امام فرمود: شیعیان ما بهترین افراد قومشان هستند. (حر عاملی، ۱۴۰۳، ۶/۱۲)

در رابطه با روابط بین خود شیعیان بسیار تأکید شده که کسی که به فکر برادر دینی اش نباشد از ما نیست. از اصحاب امام صادق علیه‌السلام روایت شده که گفت:

من نزد امام صادق علیه‌السلام بودم که مردی وارد شد و سلام کرد. امام علیه‌السلام از او پرسید: برادرانت را در چه حالی ترک کردی؟ او [در پاسخ از برادران دینی اش] به خوبی یاد کرده و در ستایش آنها مبالغه کرد.

امام علیه‌السلام به او فرمود: ثروتمندان آنها تا چه اندازه به عیادت تهیدستان شان می‌روند و جویای احوال آنها می‌شوند؟ گفت: به ندرت. حضرت فرمود: ارتباط مالی ثروتمندان آنها با تهیدستان شان چگونه است [آیا توانگران به تهیدستان از نظر مالی کمک می‌کنند]؟ عرض کرد: شما از اخلاق و صفاتی یاد می‌کنید که در بین ما نیست. امام صادق علیه‌السلام فرمود: پس آنها چگونه می‌پندارند که از شیعیان ما هستند؟

بنابراین، در زمینه ارتباط با دیگران توصیه‌های ائمه علیهم‌السلام دو دسته است: یک دسته روایات به برخورد شیعیان با مخالفان و چگونگی آن اشاره دارد و یک دسته از آنها به روش برخورد شیعیان در بین شیعیان اشاره کرده‌اند.

۶. برخورد امامان با شیعیان در زمینه فرهنگی - تربیتی

تربیت و پرورش شیعیان برای آماده کردن نیرو و نظام‌سازی و کادر سازی حکومت الهی در جهان از اهداف فرهنگی تربیتی ائمه علیهم‌السلام بود.

شیعیان در این زمینه به چند دسته تقسیم می‌شدند:

الف) شاگردان ویژه و صاحبان اسرار الهی

یاران امام نسبت به اینکه از ویژگی‌ها و ظرفیت بالایی برخوردار بودند به صورت ویژه تربیت

می شدند و اسرار پنهانی را به آنها می گفتند که برای دیگران قابل درک نبود. اینان به صاحبان سرو اصحاب خاص مشهورند. در دوران ائمه از برخی از آنان نام برده شده است مانند سلمان فارسی، کمیل بن زیاد، میثم تمار، ابو حمزه ثمالی، مالک اشتر و دیگران. اشتباهی که امروزه بین برخی افراد وجود دارد این است که روایاتی مخصوص افراد خاص در بین عامه مردم مطرح می کنند و باعث به وجود آمدن شبهه و انحراف در جامعه می شوند.

ب) شاگردان متخصص علمی برای اداره نظام تربیتی شیعه

تربیت شاگردان (که در این میان برخی شاگردان خاص بودند) از روش های امامان بود. برخی را پرورش می دادند برای مبارزه در زمینه های علمی مانند متخصصانی که امام صادق علیه السلام پرورش داده بودند و با پیگیری نهضت علمی فرهنگی که پدرشان ایجاد کرده بودند حوزه وسیعی ایجاد کردند به گونه ای که هر کدام از شاگردان در یک زمینه تخصص داشتند. اگر کسی برای پرسیدن سؤالی خدمت امامان می رسیدند هر کدام را به متخصص آن فن ارجاع می دادند. یکی در کلام متخصص بود. فردی در فقه یا تفسیر و ادبیات عرب و علوم مختلف. افرادی مانند: هشام بن حکم و مؤمن طاق در کلام، زراره در فقه حمران در قرائت قرآن ابان بن تغلب در ادبیات عرب و
عبد العظیم حسنی از شاگردان امام هادی می گوید:

بر آقا و سیدم، علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر صادق علیه السلام وارد شدم. هنگامی که آن حضرت مرا دید فرمود: آفرین بر تو ای ابا القاسم. تو از اولیای حقیقی ما هستی. عرض کردم: ای پسر رسول خدا می خواهم دینم را بر شما عرضه کنم که اگر پسندیدید بر آن ثابت بمانم تا خداوند عزوجل را ملاقات کنم. امام علیه السلام فرمود: ای ابا القاسم، [عقایدت را] عرضه بدار. گفتم: عقیده دارم که خدا یکی است و مثل و مانندی ندارد، بیرون از حد ابطال و حد تشبیه است، جسم نیست و صورت و عرض و جوهر ندارد، بلکه او ایجاد کننده اجسام، صورتگر صورت ها، آفریننده عرض ها و جوهرهاست. او پروردگار همه چیز است و مالک و خالق و پدید آورنده آنهاست، حکیمی است که کار زشت انجام نمی دهد و در آنچه باید انجام دهد، اخلال نمی کند.

عقیده دارم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده او و خاتم پیامبران است و بعد از او تا روز قیامت هیچ پیامبری نخواهد آمد. معتقدم شریعت (دین) او پایان دهنده تمام ادیان و شرایع است و بعد از آن تا روز قیامت هیچ دینی نخواهد بود. عقیده دارم امام و جانشین و صاحب اختیار بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله، امیر المؤمنین علی علیه السلام است، سپس حسن و حسین، علی پسر حسین، محمد پسر علی، جعفر پسر محمد، موسی پسر جعفر، علی پسر موسی، محمد پسر علی علیه السلام و آنگاه تو ای آقای من.

امام هادی علیه السلام فرمود: و بعد از من، حسن پسر من و چه [بد] حالی مردم با جانشین بعد از او خواهند داشت؟! عرض کردم: چرا حال مردم این گونه خواهد بود؟ فرمود: زیرا او را نمی‌بینند و جایز نیست نامش را بر زبان آورند تا زمانی که خروج کند و زمین را از عدل و داد پر کند همان طور که از ظلم و جور پر شده است.

عرض کردم: اقرار می‌کنم و عقیده دارم که دوست آنها، دوست خدا و دشمن آنها دشمن خدا و اطاعت از آنها اطاعت از خدا و نافرمانی آنها نافرمانی خداست و معتقدم معراج، حق است. سؤال در قبر، حق است. بهشت و دوزخ، حق است. صراط و میزان، حق است. عقیده دارم قیامت که شکی در آن نیست، خواهد آمد و خداوند مردگان را از گورها برمی‌انگیزد. نیز معتقدم که واجبات بعد از ولایت، نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و [رعایت] حقوق پدر و مادر است و [در خاتمه] نیز عرض کردم: این [عقاید] دین و مذهب و باورهای من است که شما را بر آن آگاه کردم. سپس حضرت علی بن محمد علیه السلام فرمود: ای ابا القاسم به خدا سوگند این [عقاید] دین خداست که آن را برای بندگانش پسندیده است، پس بر آن ثابت قدم باش. خداوند تو را در دنیا و آخرت به سخن حق [عقیده بر ولایت اهل بیت علیهم السلام] ثابت بدارد.

ج) برای هدایت و حفظ شیعیان از انحرافات

برخی سخنان ائمه علیهم السلام برای هدایت و حفظ شیعیان از انحرافات زمانه بیان شده است. روایات اخلاقی و تربیتی مانند روایات فضائل الشیعه و صفات الشیعه. امامان در راستای تربیت شیعیان گاهی آنها را تنبیه می‌کردند تا ایشان را از انحرافی که در پیش دارد باز دارند. در روایتی آمده است:

فردی درب منزل امام آمد و ایشان به خدمتکارشان فرمودند که وی را راه ندهد. به این دلیل که وی موسیقی گوش داده بود. یا جریان علی بن یقطین که به یکی از شیعیان بی‌اعتنایی کرده بود و امام ایشان را تا قبل از اینکه از آن فرد رضایت بگیرد به محضرشان راه ندادند. محور مباحث فرهنگی و تربیتی، بیان ملاک‌ها و شاخصه‌هایی برای یافتن راه راست. ترسیم شاخصه‌های هدایت شیعیان در هر زمان و در طول تاریخ بوده است که شیعیان با رعایت این شاخصه‌ها هرگز گمراه نمی‌شوند. یکی از این شاخصه‌های مهم شناخت و معرفت واقعی ائمه است. فهم درست از امامت و اهل بیت تنها راه سعادت و هدایت بشر است.

علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار نقل می‌کند:

شخصی به نام سهل بن حسن خراسانی خدمت امام صادق علیه السلام رسید، سلام کرده و نشست. عرض کرد یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله شما رئوف و مهربان هستید، چرا از حق خود دفاع

نمی‌کنید؟ چه چیزی مانع این امر است؟ در صورتی که بیش از صد هزار شیعه شمشیرزن دارید. حضرت فرمودند: ای مرد خراسانی بنشین، سپس حضرت امر کردند تا تنور را روشن کنند. وقتی تنور برافروخته شد حضرت رو به مرد خراسانی کرده و فرمود: بلند شو و داخل تنور شو. در این هنگام مرد خراسانی ترسید و عرض کرد: یابن رسول الله ﷺ مرا با آتش مسوزان از من در گذر. حضرت فرمودند: تو را بخشیدم. در این هنگام یکی از اصحاب امام صادق ﷺ به نام «هارون مکی» وارد شد در حالی که یک کفش خود را با انگشت گرفته بود. خدمت آن حضرت رسید و سلام کرد. امام ﷺ جواب سلام او را داد و فرمود: نعلین را از دست خود بینداز و برو داخل تنور.

هارون مکی نعلین را انداخت و داخل تنور شد. امام ﷺ شروع کرد با مرد خراسانی صحبت کردن و از اوضاع خراسان از او می‌پرسید، سپس گفت ای خراسانی برو و داخل تنور را نگاه کن. مرد خراسانی به طرف تنور رفت و دید که «هارون مکی» چهار زانو در تنور نشسته است. امام ﷺ از مرد خراسانی سؤال کرد: «از اینها در خراسان چند نفر پیدا می‌شود؟ مرد خراسانی عرض کرد: به خدا قسم یک نفر هم نیست. امام ﷺ فرمودند: ما در زمانی که پنج نفر یاور مانند شما نداشته باشیم، قیام نخواهیم کرد. ما خودمان موقعیت مناسب را بهتر می‌دانیم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۷/۱۲۳ - ۱۲۴)

در روایتی آمده است: «با معرفت ترین شما کسی است که معرفتش نسبت به ما بیشتر باشد». معرفت داشتن نسبت به اهل بیت کلید اساسی و محوری آموزش‌های ائمه است. مفضل بن قیس گفت:

امام جعفر صادق ﷺ به من فرمود: شیعیان ما در کوفه چند نفرند؟ عرض کردم: پنجاه هزار نفر. حضرت پیوسته این سؤال را تکرار می‌کرد تا اینکه فرمود: آیا امید داری بیست نفر باشند؟ و در ادامه فرمود: به خدا سوگند آرزو دارم در کوفه بیست و پنج نفر مرد باشند که امر [امامت] ما اهل بیت را که بر آن [ثابت و استوار] هستیم، بشناسند و علیه ما جز به حق سخنی نگویند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۸/۳۵۲)

از یکی از امامان ﷺ روایت شده است که فرمود:

بعضی از شما [دوستداران ما] نسبت به بعضی دیگر بیشتر نماز می‌خوانید و بعضی نسبت به بعضی دیگر بیشتر حج به جا می‌آورید و بعضی نسبت به بعضی دیگر بیشتر صدقه می‌دهید. نیز بعضی نسبت به بعضی دیگر بیشتر روزه می‌گیرید، ولی با فضیلت‌ترین شما کسی است که معرفتش [نسبت به ما] بیشتر باشد. (شیخ صدوق، بی تا، ح ۲۸، ص ۵۳)

۷. برخورد امامان با شیعیان در رابطه عاطفی

این بخش نیز شامل سه محور است:

(الف) رابطه عمیق بین امامان و شیعیان؛

(ب) لزوم عمل شایسته و انجام حدود الهی؛

(ج) دوستی و دشمنی بر محور خدا و امامان.

محور اصلی در همه این موارد انجام حدود الهی است.

امامان شیعه رابطه عاطفی عمیقی با شیعیان داشتند. آنان شیعیان را از گوشت و پوست خود معرفی می کردند. امام فرمود: «هر کس با شیعیان ما دشمنی ورزد با ما دشمنی ورزیده و هر کس شیعیان ما را دوست بدارد ما را دوست داشته، چون آنها از ما هستند و از سرشت ما خلق شده اند». (شیخ صدوق، بی تا، ج ۵، ص ۲۴)

امام معصوم علیه السلام فرمود:

هر کس آنان را دوست بدارد از ماست و هر کس آنها را دشمن بدارد از ما نیست. شیعیان ما به نور خدایی می نگرند و در رحمت خداوند غوطه ورنند و به کرامت الهی رستگار هستند. هیچ یک از شیعیان ما مریض نمی شود مگر اینکه ما به خاطر بیماری او بیمار می شویم و مغموم و اندوهگین نمی شود، مگر اینکه ما به خاطر غم و غصه اش اندوهناک می شویم و شاد نمی شود مگر اینکه ما به خاطر شادی اش فرحناک می شویم. هیچ یک از شیعیان ما در هر کجا که باشد چه در مشرق و چه در مغرب از ما پنهان و غایب نیست. هر کدام از آنها از دنیا بروند و از خود قرضی به جا گذارد اداي آن بر عهده ماست و اگر مالی از خود به جا گذارد تعلق به وارثانش دارد. شیعیان ما کسانی هستند که نماز بر پا می دارند، زکات می دهند و حج خانه خدا را به جا می آورند. (شیخ صدوق، بی تا، ج ۵، ص ۲۴)

اما در عین حال بیان می کند همه این فضائل در صورت عمل به این وظایف الهی حاصل می شود و عده ای گمان نکنند صرف اینکه گفته اند ما شیعه هستیم این برای سعادت آنان کافی است. یک قاعده در دیدگاه اهل بیت این است که تنها نسبت داشتن به اهل بیت کافی نیست، بلکه عمل مهم است. این سخن حتی در گفتار رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز ذکر شده است. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله مکه را فتح کرد بر کوه صفا رفت و [با صدای بلند] فرمود:

ای فرزندان هاشم، ای فرزندان عبدالمطلب، همانا من رسول خدا به سوی شما هستم و نسبت به شما دلسوز و مهربانم. نگویید محمد از ماست؛ [زیرا] به خدا سوگند، دوستان من از بین شما و غیر شما تنها پرهیزکارانند.

آگاه باشید که من شما را در روز قیامت نخواهم شناخت؛ زیرا در حالی به نزد من

می‌آیند که [توشه] آخرت را با خود حمل می‌کنند. آگاه باشید من بین خودم و شما و بین خدا و شما عذر و بهانه‌ای باقی نگذاشتم. همانا من مسئول عمل خودم هستم و شما نیز در گرو عمل خودتان هستید. (شیخ صدوق، بی تا، ح ۸، ص ۲۸-۲۹)

یکی از روش‌های ائمه علیهم‌السلام توجه دادن شیعیان به این مطلب است که تنها دوستی اهل بیت علیهم‌السلام برای آنها کفایت نمی‌کند، بلکه این اعمال آنان است که موجب رهایی آنهاست. جابر جعفی گفت: امام محمد باقر علیه‌السلام فرمود:

ای جابر آیا کافی است برای کسی که ادعای تشیع دارد، بگوید که دوستدار ما اهل بیت است؟ به خدا سوگند شیعه ما نیست مگر آن کسی که تقوای خدا را رعایت کند و از او اطاعت کند. شیعیان ما شناخته نمی‌شدند مگر به تواضع، خشوع (فروتنی در عبادت)، ادای امانت، بسیاری ذکر خدا، روزه گرفتن، نماز به پا داشتن، نیکی به والدین و رسیدگی به همسایگانی که فقیر و نیازمند هستند. همچنین رسیدگی به قرض داران و یتیمان، راستی در گفتار، تلاوت قرآن و بازداشتن زبان از اینکه جز نیکی مردم را نگویند. [نیز] شیعیان ما [همواره] در بین اقوام خویش امین بودند.

جابر گفت: ای پسر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ما کسی را با این خصوصیات نمی‌شناسیم. حضرت خطاب به او فرمود: ای جابر افکار و آرای مختلف تو را [از راه راست] بیرون نبرد. آیا کافی است مردی بگوید: من علی علیه‌السلام را دوست دارم و از دوستداران او هستم، پس اگر بگویم من رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را دوست دارم [که بهتر است]؛ زیرا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از علی علیه‌السلام بهتر است، ولی از سیره او پیروی نکند و به سنتش عمل نکنند این دوستی برای او هیچ سودی نخواهد داشت. پس تقوای خدا را پیشه کنید برای آنچه نزد خداست، عمل کنید؛ زیرا بین خدا و بین هیچ کس قرابت و خویشاوندی نیست. ای جابر جز با اطاعت و فرمانبرداری از خدای متعال تقرب به او حاصل نمی‌شود. تنها دوستی ما باعث رهایی از آتش نیست و هیچ یک از شما بر خدا حجتی ندارد. هر کس مطیع خداست، ولی و دوستدار ماست و هر کس نافرمانی خدا را کند با ما دشمن است. ولایت ما اهل بیت علیهم‌السلام جز با عمل [به دستورات الهی] و پرهیز از گناه به دست نمی‌آید. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۹۷/۶۷)

ائمه علیهم‌السلام در این بخش خطوط را مشخص می‌کنند. محور اصلی رابطه تنها ادعا نیست، بلکه معرفت واقعی و عمل به احکام و رعایت حدود حلال و حرام الهی است. ملاک دوستی و دشمنی را مشخص می‌کند.

هر کس به کسی که از ما بریده است بپیوندد یا با کسی که به ما پیوسته است، قطع رابطه کند یا مدح و ستایش از کسی کند که بر ما عیب می‌گیرد یا گرامی بدارد کسی را که با ما مخالف است از ما نیست و ما هم از او نیستیم. هر کس با دشمنان خدا دوستی کند

با دوستان خدا دشمنی کرده است و هر کس با دوستان خدا دشمنی کند با خدای بزرگ دشمنی کرده است و سزاوار است خداوند او را داخل آتش جهنم گرداند. (شیخ صدوق، بی تا، ح ۱۱، ص ۳۳)

حسن خزاز گفت: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود:

بعضی از کسانی که ادعای محبت و دوستی ما را دارند ضررشان برای شیعیان ما از دجال بیشتر است. حسن گفت: عرض کردم: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله به چه علت؟ فرمود: به خاطر دوستی شان با دشمنان ما و دشمنی شان با دوستان ما و هرگاه چنین شود حق و باطل به هم درآمیزد و امر مشتبه شود و مؤمن از منافق باز شناخته نشود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۹۱/۷۲)

علاء بن فضیل گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس کافری را دوست بدارد با خدا دشمنی کرده و هر کس با کافری دشمنی کند با خدا دوستی کرده است، سپس فرمود: دوست دشمن خدا دشمن خدا است.» (کلینی، ۱۳۹۲، ۱۲۵/۲)

نکته دیگر اینکه محور این رابطه معنوی حدود الهی است.

شیعیان ما پرهیزکار، کوشا در کار خیر، وفادار، امانتدار و اهل زهد و عبادت هستند. در هر شبانه روز پنجاه و یک رکعت نماز می گزارند. شبها را [به عبادت] بیدارند و روزها را روزه می گیرند. زکات مالشان را می دهند و حج خانه خدا را به جا می آورند و از هر کار حرامی دوری می کنند.

به خدا سوگند شیعه علی علیه السلام نیست مگر کسی که شکم و عورتش را از حرام نگه بدارد و اعمالش را برای [جلب رضایت] پروردگارش انجام دهد و به ثواب و پاداش او امیدوار باشد و از کیفرش بهراسد. (شیخ صدوق، بی تا، ح ۱۲، ص ۳۳)

امام سجاد علیه السلام در خانه اش نشسته بود که جماعتی در زدند. حضرت به کنیزش فرمود: بین چه کسی در می زند؟ آن جماعت گفتند: ما گروهی از شیعیان شما هستیم. امام علیه السلام چنان با شتاب از جا برخاست که نزدیک بود به زمین بیفتد، اما وقتی در را گشود و آنان را دید، برگشت و فرمود: دروغ می گویند. کجاست نشانه [شیعه بودن] در چهره های آنها؟ کجاست آثار عبادت؟ کجاست سیمای سجده؟ شیعیان ما به عبادت و بندگی خداوند و ژولیدگی شان شناخته می شوند. عبادت (سجده های طولانی) بینی هایشان را مجروح کرده، پیشانی ها و دیگر مواضع سجده آنها را پینه دار کرده، شکم هایشان به پشتشان چسبیده و لب هایشان خشکیده است.

عبادت و بندگی صورت های آنان را متورم کرده و بیداری در شب و روزه های روز، بدن هایشان را فرسوده کرده است. هنگامی که مردم ساکت هستند خدا را تسبیح می کنند. آنگاه که مردم آرمیده اند نماز بر پا می دارند و هنگامی که مردم شادمان هستند

آنها اندوهگین هستند. به زهد و بی‌رغبتی نسبت به دنیا شناخته می‌شوند و سخنانشان رحمت است و به [انجام کار] بهشت مشغول هستند. (شیخ صدوق، بی تا، ح ۱۹، ص ۴۱)

۸. نتیجه‌گیری

توصیه‌ها به شیعیان در بین روایات اهل بیت علیهم‌السلام فراوان است. امام عسکری علیه‌السلام خطاب به علی بن بابویه نامه‌ای دارند که در آن توصیه‌ها و نکات مهم اخلاقی و فکری بیان شده است. امام در ابتدای نامه شیخ صدوق را با القاب محبت‌آمیز یا شیخی و معتمدی و فقیهی یاد می‌کند و این نشان دهنده توجه ائمه علیهم‌السلام به پیروانشان در طول تاریخ بوده است. شیخ صدوق در کتاب *صفات الشیعه* ۷۱ روایت درباره ویژگی‌های شیعیان بیان می‌کند.

در پایان برخی صفات شیعه را که ائمه برای مشخص کردن ماهیت شیعه واقعی بیان کرده‌اند از کتاب شیخ صدوق ذکر می‌شود:

- شیعیان ما تسلیم امر ما هستند، سخنان ما را می‌پذیرند و با دشمنان ما مخالف هستند، پس هر کس این گونه نباشد از ما نیست.

- ماه رمضان روزه می‌گیرند، اهل بیت پیامبر را دوست می‌دارند و از دشمنانشان بیزار می‌جویند. آنها اهل ایمان و تقوی و اهل ورع و پرهیزکاری هستند. هر کس [مقاله] آنها را نپذیرد [دین] خدا را نپذیرفته و هر کس به آنها طعنه زند و سرزنششان کند خدا را سرزنش کرده، چون اینها بندگان حقیقی خداوند و اولیای راستین او هستند.

همچنین آن حضرت فرمود: «هر کس دشمن ما را سیر کند مانند این است که دوست ما را به قتل رسانده است». (استرآبادی، بی تا، ص ۲۵)

از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است که فرمود:

شیعیان علی علیه‌السلام شکم‌هایشان لاغر و لب‌هایشان خشکیده بود. آنها اهل رأفت و مهربانی و علم و بردباری بودند. اکنون نیز به زهد و بی‌رغبتی به دنیا شناخته می‌شوند، پس با پرهیزکاری از گناه و سعی و تلاش در کارهای نیک خودتان را بر آنچه به آن عقیده دارید (ولایت اهل بیت) یاری کنید. (حرعاملی، ۱۴۰۳، ۶/۱۹۱)

جدول طراحی روش های برخورد ائمه علیهم السلام با شیعه (امامیه)

زمینه های عملکرد	محور اساسی	تقسیمات	مستندات روایی
زمینه سیاسی	مبارزه باظلم (ظلم ستیزی)	نفی مشارکت در حکومت جائز	روایت صفوان جمال
		مشارکت در موارد استثنا و به جهت مصالح خاص	روایت علی بن یقطين
زمینه اقتصادی	حفظ عزت شیعیان	عدم استعانت شیعیان از دیگران (غیر شیعه)	
زمینه اجتماعی	زینت ائمه بودن (بهترین قوم بودن) کونوا لنا زینا	رابطه شیعیان با غیر شیعه	رفتن به عیادت و تشییع جنازه و
		رابطه شیعیان با یکدیگر	رسیدگی به امور شیعیان
زمینه فرهنگی	معرفت و شناخت واقعی اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	تربیت شاگردان خاص (اصحاب سر)	سلمان، کمیل بن زیاد، ابو حمزه ثمالی، میثم تمار
		تربیت شاگردان در رشته های مختلف (کادر سازی)	هشام بن حکم، زراره
		تنبیه برخی از شیعیان جهت هدایت و تربیت آنان	روایت علی بن یقطين
زمینه عاطفی	اصل بر رعایت حدود الهی است نه دوستی ظاهری	ضمن رابطه عمیق عاطفی متقابل اعمال نیک ملاک هدایت است	تنها ادعای دوستی اهل بیت قابل قبول نیست.
		معیار در دوستی ها و دشمنی ها	ملاک خدا و اهل بیت است

فهرست منابع

۱. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق). الاستیعاب فی معرفه الاصحاب. بیروت: دارالجلیل.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس (بی تا). معجم مقاییس اللغه. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. ابن منظور (۱۴۰۵). لسان العرب. قم: نشر ادب الحوزه.
۴. استرآبادی، علی بن داوود (بی تا). انساب النواصب. مؤسسه الحیدریه
۵. امین عاملی، سید محسن (۱۴۰۳ق). اعیان الشیعه. بیروت: دارالتعارف.
۶. بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر (۱۴۰۸). الفرق بین الفرق. بیروت: دارالجلیل.
۷. برنجکار، رضا (۱۳۷۸). آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی. قم: مؤسسه فرهنگی طه.
۸. پاکتچی، احمد (۱۳۶۷). داتره المعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز داتره المعارف بزرگ اسلامی.
۹. پیشوایی، مهدی (۱۳۹۴). سیمای پیشوایان در آئینه تاریخ. قم: دارالعلم.
۱۰. حرعاملی (۱۴۰۲). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. خزعلی، ابوالقاسم (۱۴۲۶ق). موسوعه الامام العسکری علیه السلام. قم: مؤسسه ولی عصر علیه السلام.
۱۲. سبحانی، جعفر (۱۳۸۳). منشور جاوید. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۳. سیدابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۷). اقبال الاعمال. قم: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
۱۴. شهرستانی (بی تا). ملل و نحل. بیروت: دارالمعرفه.
۱۵. شیخ صدوق (بی تا). صفات الشیعه. مترجم: توحیدی، امیر. تهران: انتشارات زراره
۱۶. شیخ مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳). اوائل المقالات. قم: کنگره شیخ مفید.
۱۷. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۸). شیعه در اسلام. قم: بوستان کتاب.
۱۸. طبری، محمد بن جریر (۱۸۷۹م). تاریخ طبری. به کوشش دخویه، لیدن.
۱۹. غلام حسینی، مصطفی (۱۳۷۷). علی بن یقطین کارگزار حضرت امام کاظم علیه السلام. مجله کوثر، شماره ۱۵.
۲۰. کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸). رجال کشی. مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۲). الکافی. تهران: دارالکتب
۲۲. گلپایگانی، علی ربانی (۱۳۸۱). فرق و مذاهب کلامی. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. مقریزی، احمد بن علی (۱۴۲۰ق). امتاع الاسماء. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۵. موسوی یجنوردی، کاظم (بی تا). داتره المعارف بزرگ اسلامی. تهران: مداخل امامیه.
۲۶. واسعی، علیرضا (۱۳۹۴). راهبردهای ائمه علیهم السلام در مواجهه با ناهنجاری های اجتماعی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.